

متن پرسش

سلام نظر شما در مورد این یادداشت چیست؟ شجریان خواننده ای ظاهراً سنتی و باطناً مدرن بود. خواننده در اینجا هم به معنی تلفظ کننده و هم به معنی فهمنده است. او اهل اندیشه بود و به معنای عمیق کلمه به خوانش متون ادبی اقدام کرد. اما درک شجریان از عرفان تا چه حد عمیق است؟ آیا آنچنانکه بسیار گفته اند او رابط دوران معاصر با ادبیات کهن بود؟ آیا او حافظ و مولوی را در روزگار معاصر زنده نگه داشت؟ شجریان در مستند شبکه صدای آمریکا (۷ مهر ۹۵) در مورد مولانا سخن می گوید و در جایی می شنویم: کسی که می گوید فارغ از کفر و دینم را چرا امامزاده کردند؟ مولوی برعکس رفتار کرد. او این شعر مولوی را می خواند: بیرون ز کفر و دینیم برتر ز صلح و کینیم / نه در فراق و وصلیم رو نام ما دگر کن اما آیا منظور از بیرون کفر و دین، انسان گرایی است؟ عرفان نظری سخن از توحید می گوید: انسان هم ذیل توحید معنا دارد ولی در اندیشه مدرن برعکس است و خدا با انسان معنا می شود. مولوی و حافظ اهل عرفان بودند و عشق را در سایه خداوند معنا می کردند. حافظ رند بود یعنی کسی که آنچنانکه ظاهرش نشان می دهد نیست. اما برخی مدعیان از جمله خواننده ظاهراً سنتی و باطناً مدرن، حافظ را بر اساس ظاهر اشعارش قضاوت می کنند. حافظ و مولوی و دیگران اگر از دین گذر کنند برای سپردن آن به یار است و این لازمه گذر از ظاهرگرایی است. در تفکر شیعی هم ظاهر در سایه باطن قرار دارد و اگر لازم باشد دفتر (قرآن کاغذی) فدای یار (قرآن ناطق) می شود. این قرآن ناطق در آخرین فراز وصیت خود به فرزندش گفت: *اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِیْنَکَ وَدُنْیَاکَ*. دینت را به خدا به ودیعه بسپار. این وصیت را حافظ به قول رسا فاش گفته است. امامزاده، هم می تواند مظهر دینداری عامه پسند باشد و هم مظهر دین باطنی عاشقانه. شجریان از شعر مولوی که می گوید: *من زتقدیرم و تقدیر از ذات من است نتیجه می گیرد که تقدیرت را خودت می سازی به دنبال تقدیر نباش!* او «من» را انسان تعریف می کند که هم درست است و هم غلط. انسان وقتی قادر دو جهان است که با خدا باشد. این سخن مولوی جمع بین جبر و اختیار است. عرفای ما از یک سو دعوت به تسلیم کردند و گفتند بر ما در اختیار نگشادست و از طرف دیگر به دنبال برهم زدن چرخ بودند. ولی شکافتن فلک و طرحی نو در انداختن با شب و آه فراهم می شود نه به تعبیر شجریان با گردن کلفتی!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خوش سلیقگی آقای شجریان آن بود که اشعار اصیل فرهنگ ایرانی و خرد اسلامی را انتخاب و با صدای خوب می خواندند و مردم از آن جهت که آن صدا آن ها را به آن خرد و

فرهنگ متصل می‌کرد؛ مورد احترام قرار می‌دادند و نه آن‌که گمان کنیم آقای شجریان خود به خود نیز در وادی‌های حکمت و عرفان قدمی داشته باشند. البته خوش‌سلیقگی و خوش‌صدایی ایشان بحث دیگری است. موفق باشید